

اظهارت تند و تیز؛ کار بزدلان و ترسوها نیست!

(ترجمه)

خبر

روز چهارشنبه 2020/9/2 سایت روسیه الیوم گزارش داد که داکتر احمد طیب شیخ ازهر، سوزاندن قرآن در سوئد را یک جنایت تروریستی و وحشیانه خواند و آن را اقدام نژادپرستانه دانست، چنانچه در یک پستی که در صفحه رسمی فیسبوک اش منتشر شده، چنین نگاهشده است: «بر آن‌ها لازم است بدانند کسانی که مرتکب جنایت سوزاندن مصحف قرآن شریف شدند و جرئت این کار را کردند، در واقع کارشان با تمام معنا یک عمل تروریستی، بربریت و وحشیانه است.» وی افزود: «این یک اقدام نژادپرستانه و کینه‌توزانه است که تمام تمدن‌های بشری از آن نفرت دارند و این عمل را می‌توان سوخت آتش تروریزم خواند که شرق و غرب از آن رنج می‌برد.» وی در ادامه گفت: «شکی در آن نیست که چنین جنایات شنیع باعث تحریک و برانگیختن احساسات می‌گردد و سبب تضعیف امنیت جوامع می‌شود، آرمان‌ها و امیدها را تهدید می‌کند و امیدهای ناشی از گفتگوهای میان ادیان و تمدن‌ها را مختل می‌سازد.» و در پایان گفت: «آن‌ها باید بدانند که سوزاندن قرآن شریف در حقیقت آتش‌زدن مقدسات دومیلیارد مسلمان در جهان است و تاریخ بشریت این رسوایی و بی‌احترامی را در صفحات ننگ و شرم تاریخ ثبت خواهد کرد.

تبصره

جنایات غرب علیه دین و مقدسات مان پایانی ندارد و سیاست‌های غرب است که افراط‌گرایان و بنیادگرایان را تشویق می‌کند تا دین مان را سبک و ضعیف جلوه دهند. بنابراین، حادثه‌ی به آتش کشیدن وحی الهی یعنی قرآن مقدس اولین و آخرین حادثه هم نخواهد بود. چند روز پیش، خبر بازنشر تصاویر اهانت‌آمیز به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را توسط روزنامه فرانسوی دیدیم و حکم دادگاه علیه قاتل نمازگزاران در مسجد نیوزلند را شنیدیم و اگر این قاتل یک مسلمان می‌بود و در یک کلیسا حمله می‌کرد؛ حتی اگر دستگیر هم نمی‌شد -اگرچه ما از این اقدامات حمایت نمی‌کنیم- آن‌ها تنها از اعدام وی راضی نمی‌شدند، حتی آن‌های را که با آن در ارتباط بودند، هم اعدام می‌کردند.

کینه‌توزی غرب علیه ما و علیه دین مان پایان ندارد؛ چنانچه الله سبحانه و تعالی در رابطه به این‌ها به ما خبر داده است:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ...﴾ [بقره: 120]

ترجمه: هرگز یهودیان و مسیحیان از تو خوشنود نمی‌شوند؛ مگر آن‌که از آیین آنان پیروی کنی.

به هر اندازه که چاپلوسان، چاپلوسی کنند و از اساسات دین خود کوتاه بیایند، غرب هرگز آن‌ها را نخواهد پذیرفت تا این که خالص کافر شوند و از اسلام چیزی در وجودشان نباشد. غرب از آن‌ها نخواهد پذیرفت؛ مگر این که چون طفل مادرزاد برهنه و عریان گردند تا غرب از عریان کردن شان افتخار نماید و بعداً جشن پیروزی علیه امت رسول الله را چنان که بعد از سقوط خلافت اسلامی تمثیل آن را در ترکیه انجام دادند، امروز دوباره جشن بگیرد.

چنانچه بعد از سقوط خلافت اسلامی مسابقه‌ای را تحت نام "ملکه زیبایی‌ها" برای اولین بار در ترکیه راه انداختند که دختران مسلمان هم حضور داشتند که در همان محفل رئیس کمیته داوران سخنان کینه‌توزانه‌ای را اظهار نمود و این مسابقه در سال 1923م که سال انهدام خلافت عثمانی بود، در انقره برگزار شد و او گفت: «ما ملکه زیبایی‌ها را انتخاب نمی‌کنیم، بلکه هدف ما نابودی و ریشه‌کن کردن اسلام در ترکیه است.» و نیز فرمود: «ای حضار گرامی و اعضای کمیته! در حقیقت امروز به مناسبت پیروزی مسیحیت، سراسر اروپا جشن دارد. همانا حاکمیت اسلام پایان یافت؛ اسلامی که ۱۴۰۰ سال است حاکمیت کرد».

در هنگام اعلان نام ملکه زیبایی‌ها، رئیس کمیته درخواست و روی استیج رفت، مایک را گرفت و سخنانی را به زبان آورد که ثبت تاریخ شد و در کتاب‌های غرب و شرق نگاشته شد و گفت: «حاضرین محترم و اعضای کمیته! مسابقه پایان یافت و تا لحظات بعد نام ملکه زیبایی را اعلان خواهیم نمود و اما قبل از اعلان نام‌اش به سخنانم توجه کنید. امروز این فراتر از یک مسابقه است. امروز روزی پیروزی و کامیابی مان است. امروز به شکل عام روز جشن کامیابی مسیحیت و به طور خاص پیروزی اروپا است و فخر و عزت را که مسلمانان با حاکمیت اسلام داشتند، امروز پایان یافته است. اسلامی که ۱۴۰۰ سال بر سرزمین‌ها و بالای انسان‌ها حکومت کرد و انصافاً نباید تلاش‌های "یهودیان و روس‌ها" را در این رابطه نادیده گرفت؛ اما به صورت کل این پیروزی به نام صلیبیان و مسیحیان ثبت می‌گردد. دختر جوانی که سرش را از خانه بیرون نمی‌کرد؛ مگر این که سرش با یک پارچه‌ای پوشانده می‌بود و گرمی را احساس نمی‌کرد؛ مگر از پشت پنجره‌ای آهنین؛ اما امروز لخت در برابر مان ایستاده است. (هدف از مسابقه کریمان در ترکیه) این در حد خود برای مان یک پیروز است. سلطان سلیمان قانونی هم در امور سراسر جهان مداخله می‌نمود، حتی مانع رقص دختران مسیحی در پاریس می‌شد؛ ولی امروز نواسه‌اش جسم‌اش را در برابر ما به نمایش می‌گذارد و تلاش دارد که جسم و بدنش را به هدف جلب توجه و به دست‌آوردن علاقه ما به رخ ما بکشد. "کریمان خالص" لقب ملکه زیبایی‌های جهان را به دست آورد؛ اما ما جام‌های مان را به مناسبت پیروزی بزرگ مسیحیت بلند می‌کنیم».

بلی، باتأسف تجاوز آن انسان‌های پست و ذلیل و دشمن اسلام و مسلمانان به آن‌چه ذکر شد، خلاصه نشده است، بلکه بزرگ‌ترین ظلم و تجاوز آن‌ها علیه ما امت اسلامی و مقدسات مان همانا "سقوط دولت خلافت اسلامی" بود. دولتی که از ما حمایت می‌کرد و از آبرو و ارزش‌های مان دفاع می‌کرد؛ دولتی که یک زمانی با وجودی که در حال جان دادن بود، دولت فرانسه تصمیم گرفته بود که نمایش اهانت‌آمیز به پیامبر صلی الله علیه وسلم را برگزار کند، اما با آن هم فرانسه نتوانست نمایش را برگذار کند و زمانی که خلیفه مسلمانان "عبدالحمید ثانی رحمة الله علیه" شنید، اقدام به تجهیز لشکر و آرایش نظامی کرد و هم‌چنان اطرافیان خود را دستور داد که لباس جنگ بپوشند و خلیفه هم لباس نظامی به تن کرد و دستور داد که قنسل فرانسه را فوراً احضار کنند و قنسل با خود فکر می‌کرد که عبدالحمید حتماً یک پیام تنفرآمیز به حکومت فرانسه تسلیم می‌کند و این که موضوع به حدی که نمایش تمام می‌شود و در نهایت در معرض دید و نمایش قرار می‌گیرد، اما زمانی که قنسل وارد قصر خلیفه شد دید که همه لباس نظامی در تن دارند و خلیفه هم لباس نظامی دارد، درجا وحشت‌زده شد و به خلیفه گفت: سرورم پیام‌ات را گرفتم!

همان بود که قنسل فرانسه فوراً نامه‌ای را به شاه فرانسه فرستاد و در آن چنین نگاشت: این دولت به خاطر یک نمایش نامه آماده جنگ است. شما باید آن نمایش را فوراً توقف دهید که عملاً متوقف گردید.

تصمیم‌گیری مردان بزرگ وقتی که به خاطر الله خشمگین می‌شوند، چنین است و به خاطر زیر پا شدن حدود الله خون‌شان به جوش می‌آید و چنین موقف می‌گیرند. الله از معتمد راضی باشد، معتمدی که یک ابرقدرت را فتح نمود و به خاطر الله برای نجات یک زن مسلمان خشم‌گین شد و او به خاطر اسیر کردن یک زن مسلمان بی‌بناهی‌ای نداد که کار رومیان را تقبیح کند، بلکه کاری را انجام داد که الله سبحانه و تعالی بالایش واجب گردانیده بود؛ به هدف نصرت و یاری مستضعفین.

ای شیخ ازهر! بدون شک غرب کینه‌توز که از امت اسلامی و دین‌شان متنفر است و ثروت‌شان را می‌دزدد و با دادن قروض دست‌شان را از پشت بسته کرده و گردن‌شان را به قرصه‌های بزرگ خم نموده و نسل‌های آینده را هم به زنجیر کشیده و هرگز بی‌بناهی‌ای شدید الهجه مانع آن شده نمی‌تواند و آن هم توسط شیخ که معاشش را از حاکمی می‌گیرد که غرب او را مؤظف کرده که منافع غرب را در سرزمین‌های اسلامی تأمین کند. بلکه غرب را به سر جایش لشکری می‌نشانند که در رأس آن امثال هارون رشید باشد و لشکر از فرمان‌های او اطاعت می‌کنند و به خاطر الله خشمگین می‌شود و دست‌هایی را که در سرزمین‌های مان دراز است و برای غارت ثروت‌ها؛ فتنه‌ها را در بین امت پخش می‌کنند، قطع می‌کنند. لشکریان امت به جوش و خروش می‌آیند و با آن‌ها در خاک‌شان می‌جنگند و آن‌ها را مشغول خودشان می‌کنند. این همان عامل اساسی است که غرب را ویران و زیر و زبر می‌کند. مردانی که به خاطر الله جوش و خروش می‌گیرند و کوه‌ها پیش روی‌شان فرو می‌آید که این حالت ابتدا نیاز است به یک دولتی که امت را متحد کند و اسلام را بر آن‌ها تطبیق نماید که همان خلافت راشده بر منهج نبوت باشد.

ای شیخ ازهر! شاید به غرب توصیه کنید که با سوزاندن قرآن احساسات امت را تحریک نکنند که علیه‌شان خشمگین می‌شوند، اما بدانید که احساسات مسلمانان برای برانگیختن و برافروختن نیاز به آتش زدن قرآن ندارد؛ بلکه غضب قدس، مکانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم به معراج رفتند و غارت سرمایه‌های‌شان آن‌ها را برانگیخته و شعله‌ورشان ساخته است و در نبود دولت اسلامی که مردم را به اساس اسلام تربیه می‌سازد و از مرزهای سایکس پیکو نجات‌شان دهد، نیازی به ذکر خون امت نیست. خون‌هایی که این‌جا و آن‌جا ریختانده شده به زودی شعل‌های آن آتش، دامن غرب و مزدوران‌اش را می‌گیرد...

ای شیخ ازهر! تکلیف‌تان این نیست که کفار کینه‌توز را به خاطر این کارشان با الفاظ شدید تقبیح کنید. تکلیف‌تان این است که ارتش را تحریک کنید تا حدود الله را برپا دارند و از مقدسات امت حمایت کنند و وظیفه‌تان این است که اهل قوت و قدرت و نخبه‌های سیاسی را بر حذر داری بر وجود دولتی که دشمنان امت در موجودیت آن بترسند.

ای شیخ ازهر! آن حقیقتی را که تو و ما می‌دانیم، تو را ملزم می‌کند تا سخنان و بیانات را به سمت مخلصینی در ارتش کنانه (مصر) قرار دهی تا برای آزادی امت و بازسازی تمدن دولت خلافت راشده بر منهج نبوت ترغیب و تحریک شوند؛ دولتی که عزت و آزادی‌شان را و غرب را به خاک‌شان بر می‌گرداند؛ اگر خاکی برای آن‌ها باقی بماند. ما تو را به یاد الله می‌آوریم، روزی که در حضور الله ایستاده باشی بدون موقف اعتبار و مال و هیچ حاکمی و رهبری که هر قدر قدرت داشته باشد، به تو کاری کرده نمی‌تواند؛ بلکه زودتر خود را از تو تبرئه می‌کنند؛ در حالی که آن‌هایی که به گردن تو حق دارند و آن‌ها از گفته‌های تو گمراه شده‌اند و در گناه حاکمان مزدور شریک شدند! پس خشمگینی الله بزرگ‌تر از خشم حاکمان است و باید ترس جز از ترس الله نداشته باشیم. اهل مصر و ارتش آن یکی هستند بر خلع حکام مزدور، حکامی که امت را از دست داده‌اند و تحقیر کردند، عزت‌شان را و به مقدسات‌شان توهین کردند.

قبل از این که غرب این کار را بکند؛ امت را برای تأسیس دولتی که به شکل کامل و جامع و غیر منقوص اسلام را تطبیق کند تحریک کن! یعنی دولت خلافت راشده تا باشد الله متعال آن را در دست‌های ما بنویسد که همه‌ی مان خیر و خوبی را مشاهده کنیم، خیری که بالاتر از آن خیری وجود ندارد.

پروردگارا! بر ما گشایش فوری دهی نه دیر! (اللهم عاجلاً غیر آجل) آن‌ها امت را قبل از سوزاندن قران سوختاندند. چه کسی آتش آن را خاموش می‌کند و دولت و عزت مسلمانان را بر می‌گرداند؟

نوئسنده: سعید فضل

مترجم: پارسا "امیدی"